

لاذيقاے

تیرھا

ترجمہ ایرج گنغانی

والد
دینی







سید علی حسینی

۵۷۸۸

دانشگاه

تیرها



سرزمینی که ما امروزه بنام آفریقای مرکزی و استوایی مینامیم و قسمتی از شمال شرقی هندوستان محل زندگی یکی از وحشی‌ترین حیواناتی است که ما به آن لقب "سلطان جنگل" داده‌ایم. ولی همواره این سؤال مطرح بوده است که آیا واقعا شیر سلطان جنگل است؟ اگر موضوع را از دریچه دید، قدرت توام با تحرک، استقامت در شرائط سخت، طبع خطرناک و فوق‌العاده وحشی، نیروی هوش و رفتار احترام انگیز این حیوان نگاه کنیم، جواب مثبت است. ولی چنانچه فقط، جثه و بزرگی و نیروی عضلات را بخواهیم بحساب بیاوریم، بدیهی است که فیل بمراتب قوی‌تر بوده و در مبارزه تن به تن نمیتواند رقیبی داشته باشد. چه بسا بایک حرکت خرطوم، شیری را تا چندین متر بهوا پرتاب نماید. بطوریکه این حیوان هرگز جرات نزدیک شدن به مقر فیل را پیدا نکند.

گذشته از فیل، حیوانات بیشمار دیگری هم در طبیعت یافت میشوند که جثه آنها خیلی بزرگتر از شیراست. ولی اگر بدقت به مساله فکر کنیم و عواملی را که باعث شده شیر سلطان جنگل شود، با حوصله مورد تجزیه و تحلیل قرار دهیم، ملاحظه خواهیم کرد که این لقب بی حکمت نبوده است. حرکات موزون، نگاه نافذ و گیرا، صبر و شکیبائی، خشم و درندگی، نحوه رفتار با سایر حیوانات، احترامی که جانوران جنگل برایش قائلند، امنیتی که در منطقه وسیعی ایجاد میکند. هیکل متناسب و خطوط قشنگ بدن و بالاخره غرش پر قدرت و در عین حال وحشتناک این حیوان، مجموعه عواملی است که بدون شک لقب سلطان جنگل برآستی برآورده اوست.

شیر دارای سری بزرگ، تقریباً چهارگوش و پهن، چشمانی زرد متمایل به سبز و فوق العاده قشنگ است. این حیوان دارای عضلاتی قوی و ماهیچه‌هایی پر و پیچیده در ناحیه پاهایش است که قدرت تحرک و استقامت زیادی باو میدهد و کمتر حیوانی از این نیروی قوی برخوردار است.

بلندی حیوان بین ۰/۷۰ تا یک متر و وزنش به ۲۰۰ کیلوگرم میرسد.





شیر ماده با جثه کمی کوچکتر و قدرتی کمتر، از ابهت و نیروی شیر نر برخوردار نیست و بعلاوه زیبایی شیر بیشتر متوجه نوع نر آنست. همانطور که گفتیم، این حیوان از نقطه نظر تحرک فوق العاده سریع است. سرعت دویدن او به ۸۰ کیلومتر در ساعت میرسد. مجسم کنید، حیوانی با این خصوصیات و یک چنین سرعتی خود را به روی طعمه اش بیندازد، چه خواهد شد؟... مسلماً من و شما حاضر نیستیم بجای طعمه باشیم، ولی دیدن این منظره بایستی خیلی جالب باشد.

نوزاد شیر در هنگام تولد باندازه یک گربه خانگی است. در همان روزهای اول تولد، فوق العاده بازیگوش بوده و حتی بر خلاف آنچه که در مورد تمامی حیوانات گفته میشود، توجه اش به بازی بیشتر از علاقه ایست که به غذا دارد. بسرعت بدنبال، برادر و خواهرهای کوچکش میکند، آنها را بزمین میاندازد، گاز میگیرد، بهوا میپرد و خلاصه هر شیطنتی را که فکر کنید از او بر میآید. البته این تا مدتی است که بابا متانت بخرج داده و توجه چندانی ندارد، ولی بمحض اولین غرش خشم آلود، شیر کوچولو زود بگوشه ای پناه برده و مخفی میشود.

با فرا رسیدن زمان جفت گیری شیرها، نبرد سخت و خونینی بین رقبا، برای بدست آوردن ماده شیر، آغاز میگردد. حملات آنها بیکدیگر بقدری ترسناک و توام با نعره های بلندی است که تمام منطقه را بلرزه میآورد. بالاخره با فرار کردن ضعیف تر و چه بسا با از دست دادن جان، مبارزه خاتمه یافته و سلطان بزرگ همسر آینده خود را بدست میآورد. شیرهای دیگر معمولاً، برای همیشه آن منطقه را ترک خواهند کرد و بجائی میروند که شاید



موفقیت بیشتری در مبارزه نسیبشان شده و بتوانند همسری برای خود بچنگ آورند .

زمان بارداری شیرماده ۱۰۸ روز است و پس از آن ۳ تا ۴ نوزاد را بدنیا می‌آورد . تعداد تولدهای شیر در موارد استثنائی به ۶ تا میرسد ، ولی کمتر اتفاق می‌افتد که همگی آنها زنده بمانند . بیشتر اوقات یک یا دوتای آنها در همان یکی دو روز پس از تولد از بین می‌روند . بندرت مشاهده شده که شیر بتواند هر ۶ نوزاد خود را سالم و صحیح تحویل جامعه بدهد .

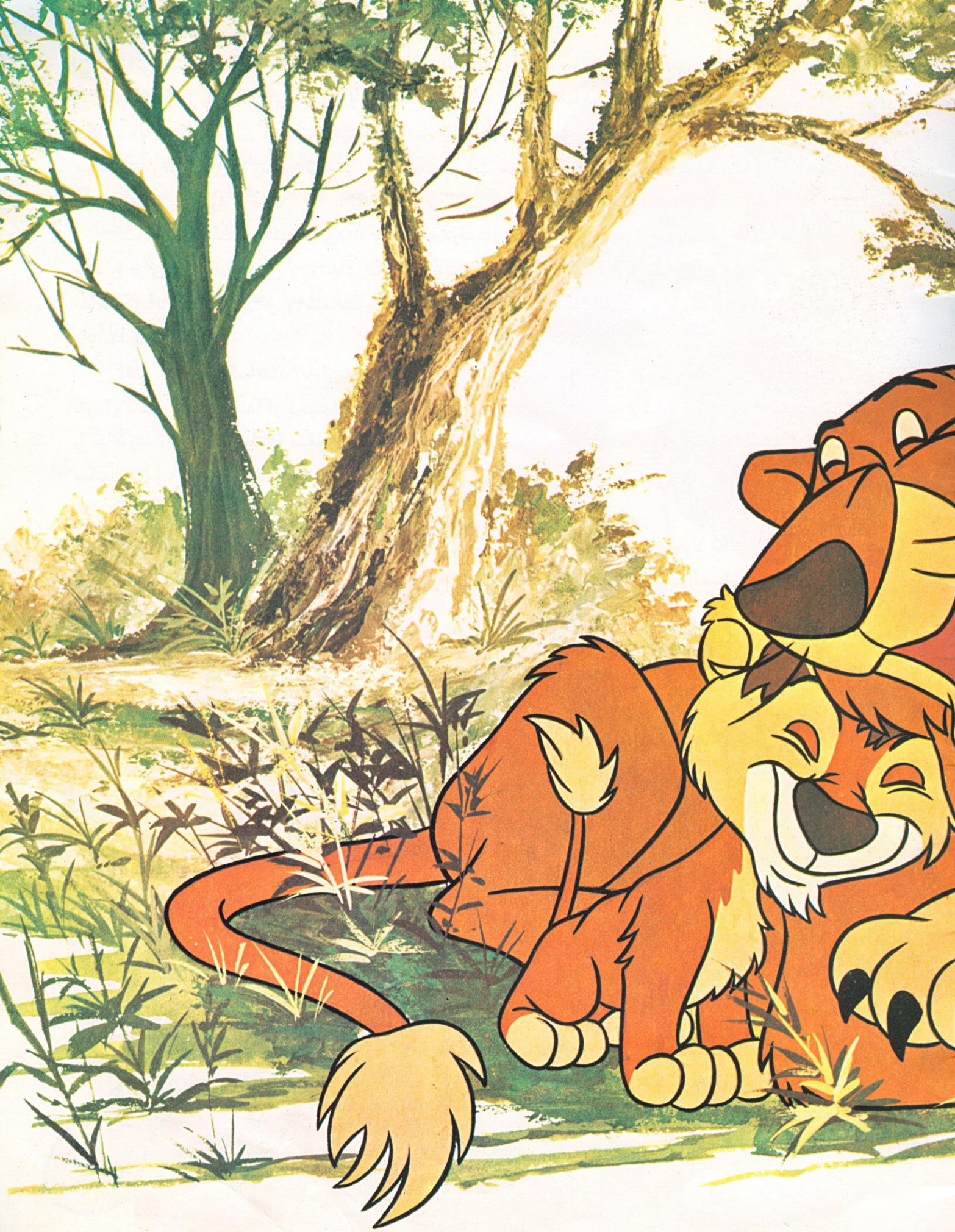
همانطور که گفته شد ، بچه شیر فوق‌العاده شیطان و بازیگوش است . گاهی این شیطنت تبدیل به مزاحمت زیادی برای والدین میشود . ولی ماما مهربان با ملاحظت و محبت زیادی ، رفتار شلوغ او را تحمل میکند . تولد شیر شباهت زیادی بیک نوزاد گربه دارد و صرفنظر از بازیگوشی‌هایش ، فوق‌العاده بی‌آزار است .

تا مدت سه ماه پس از تولد ، ماما هیچگاه از بچه‌هایش جدا نمیشود . در این دوران ، شیر نر ، همواره در تلاش یافتن غذا برای همسرش است . او پس از شکار ، طعمه را تا مسافتی که گاهی به چندین کیلومتر میرسد به نزدیک آشیانه شیر ماده حمل میکند . در این مدت تولد که بیشتر از شیر مادر تغذیه میکند ، حتی یک لحظه هم از او جدا نمیشود و با شنیدن کوچکترین صدا و اعلام خطری از سرو کول او بالارفته و خود را در میان دست و پایش مخفی میکند .

گو اینکه ، هیچ جانوری در روی زمین قادر نیست به تولدهای شیر صدمه‌ای وارد آورد ، مگر اینکه از روی نعش مادر عبور کند .

توله‌ها رفت‌و رفت‌ه‌رشد کرده و ترکیب و شمایل والدین خود را پیدا میکنند ، در سه‌سالگی کاملاً شبیه یک شیر بالغ شده و طولی نمیکشد که بایستی خود را برای جدائی از مادر آماده کنند . البته برای یک شیر جوان ،





این جدائی خیلی ناراحت کننده است. ولی حکم طبیعت اینستکه، پدر و مادر، وقتی نوزادشان به سه سالگی رسید، دیگر قادر به تحمل او نیستند و حتی مشاهده شده، مادریکه با اینهمه علاقه و محبت نوزادش را در آغوش میگرفت، با حرکات تند و وحشی، فرزند جوانش را از خود طرد میکند. بله این یک فطرت طبیعی است که هر حیوانی، در مرحله‌ای از زندگی بایستی برای بقای حیات خود، به تنهایی دسته و پنجه نرم کرده و به خصوصیات طبیعت خود پی ببرد.

همانطور که گفته شد شیر معمولاً تا سه ماه به توله‌های خود شیر میدهد و پس از این مدت شیرماده بچه‌های خود را برای فرا گرفتن فنون و روشهای شکار با خود به خارج آشیانه میبرد. ابتدا در مسیری کوتاه و بتدریج در مسافت زیاد، قدرت دویدن و استقامت و نحوه حمله بشکار را که مشکل‌ترین مرحله زندگی حیوانات است به آنها یاد میدهد.

وقتی طعمه بچنگ افتاد، مامان به آنها یاد میدهد چگونه پوست غیر خوراکی حیوان را جدا کنند و به گوشت تازه او دست یابند. ابتدا از قسمتهای نرم شکم و محتویات داخلی آن شروع کرده و بتدریج اعضاء دیگر حیوان را میخورند. هنگامیکه توله‌ها مشغول خوردن هستند، مادر، خود چیزی نمیخورد و فقط به اعمال آنها نگاه میکند. درست مثل معلمی که نظارت در کار شاگردانش میکند. گاهی ممکن است در پاره کرده قسمتهائی از بدن شکار، کمک کوچکی بنماید.

باین ترتیب بچه‌ها، بتدریج با روش شکار و خوردن آن آشنا میشوند. شیر معمولاً تمام روز را به استراحت می‌پردازد و اکثراً شبها بشکار می‌رود. مگر در مواقع اضطراری که احساس گرسنگی نماید و یا



طعمه ناخواستهای به مقر او نزدیک شود، که در اینصورت ممکن است در روز نیز به شکار خود حمله نماید.

شکار شیر را بطور کلی، آهو، گوزن، گراز، گاو وحشی و گاهی زرافه تشکیل میدهد. ولی مهمترین غذای مورد علاقه او گورخر است. شیر معمولاً، گروهی زندگی میکند و حتی شکار خود را نیز بصورت دستجمعی انجام میدهد. این حیوان، روشهای خیلی جالبی برای بدام انداختن طعمه خود دارد.

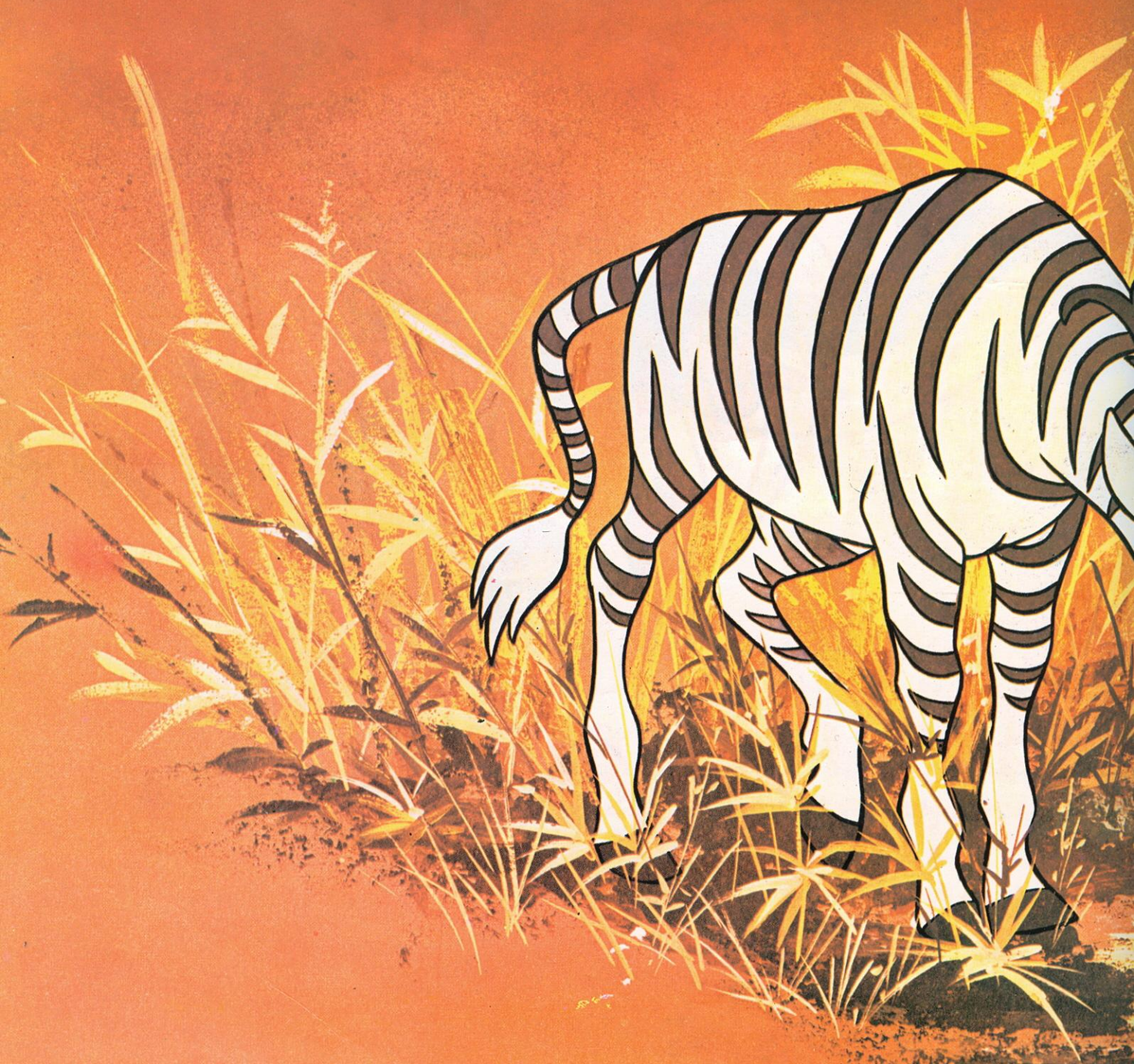


از این رو، بمجرد نزدیک شدن شکار، ابتدا، دست و پای خود را برای یک پرش بزرگ آماده میکند. سپس، در همان لحظه بطرف شکار هجوم میبرد، غرش بلندی نیز از خود در میآورد. نعره شیر معمولاً بقدری ایجاد وحشت در حیوان میکند که بیچاره، جهت و مسیری را که میخواهد به آن سمت فرار کند، براحتی گم میکند و بی اراده شروع بدویدن کرده و چه بسا چند چرخه نیز بدور خود میزند.

بهر حال کمتر اتفاق میافتد که شیر مثل پلنگ با پرش اول بتواند روی شکار بیفتد. در اکثر موارد طعمه، شروع بفرار و دویدن میکند، غافل از اینکه، گروهی دیگر از شیرها (که معمولاً شیرهای ماده هستند) در جهت مخالف انتظارش را میکشند و تقریباً از تمام جهات محاصره شده و هیچ شانسی برای نجات نخواهد داشت.



ابتدا بطرز ماهرانهای در نقطه‌ای از منطقه، بین علوفه‌ها و گیاهان کمین کرده و منتظر میشود تا طعمه بحد کافی باو نزدیک شود. جثه شکار برای شیر فرق چندانی نمیکند. کوچک یا بزرگ، بهر ترتیب، با یک حمله سریع و پرقدرت بچنگ می‌آورد. مشکل او فقط، انتظار زیاد و نزدیک شدن طعمه است که گاهی ممکن است، چندین ساعت بطول انجامد. شیر معمولا شکارگاه خود را، در نزدیکی چشمه و یا برکه آب انتخاب میکند و با حوصله زیاد، منتظر میماند تا طعمه مورد علاقه‌اش، برای خوردن آب به چشمه نزدیک بشود. در این هنگام رفتار شیر با ببر و پلنگ که قادرند فقط مسافت کمی را با سرعت زیاد طی کنند، فرق دارد. زیرا استقامت زیاد شیر، باین حیوان اجازه میدهد، مسافت طولانی را با سرعتی معادل ۸۰ کیلومتر در ساعت طی کند.



مرحله نهائی خیلی ساده انجام میگردد، زیرا، اولین شیری که طعمه را در چند متری خود دید با یک پرش سریع به پشت حیوان گردن او را بدهان میگردد و با یک فشار محکم، استخوان ستون گردن او را خرد میکند. شیرهای دیگر نیز در این موقع بیکار نیستند و با حمله به قسمتهای دیگر حیوان بیچاره، در یک چشم بهم زدن، مرگ دلخراشی را برایش بوجود میآورند.

شیرها، معمولا منطقه مشخصی برای زندگی خود دارند، و بندرت از آن منطقه خارج میشوند. ناحیه شیرها، بطور کلی، در نزدیکی، چراگاه حیوانات مورد علاقه آنها، از قبیل، آهو و گوزن، گراز، گورخرو زرافه است. تقریباً در تمام موارد، نزدیک چشمه و یا برکه آب است.

شیرها در موقع خشکسالی و یا بارانهای تند و مداوم صحرائی، مجبور به خروج از منطقه و تعقیب گله شکار میگرددند که در اینصورت، شانس موفقیت آنها برای دست یافتن به طعمه خیلی کم خواهد شد.

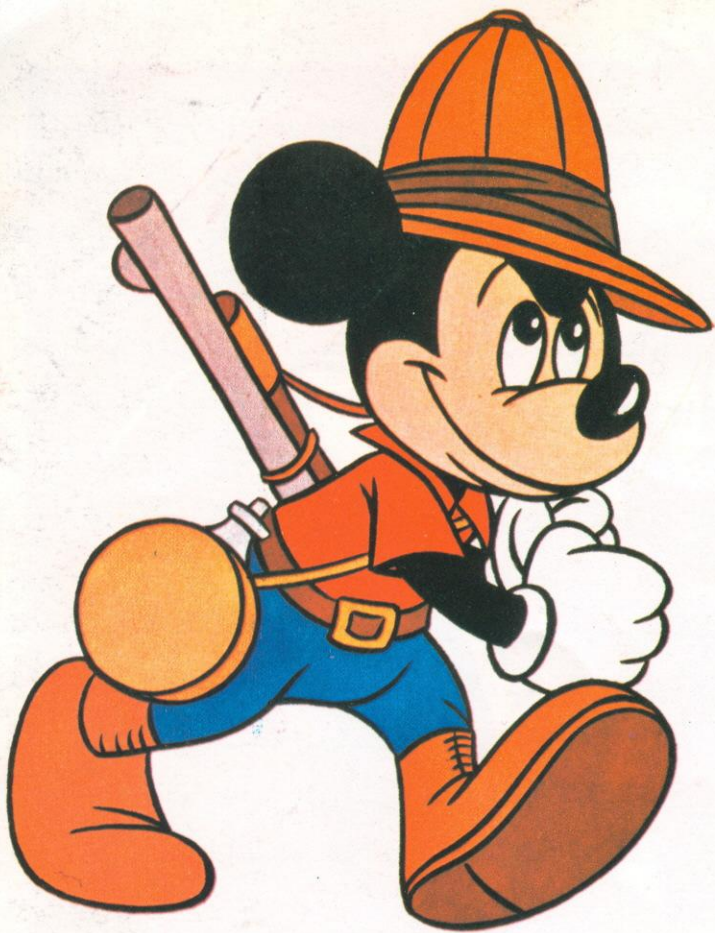




ولی بطور کلی، ناحیه شیرها از لحاظ طول و عرض بسیار محدود است، و بوسعت منطقه‌ای که ببر و پلنگ برای مقرر شکار خود در نظر میگیرند، نیست.

شیرها با هوش و استعداد زیادی که دارند، بخوبی واقفند که گله گوزنها و گورخرها بایستی همیشه از مناطق مرطوب که دارای علوفه و چراگاههای زیادی است استفاده نماید. از این رو مقرر خود را همیشه در کنار چراگاههای سبز و خرم انتخاب میکنند که بطور یقین طعمه‌های بیشماری از آنجا عبور میکنند و یا مدتی را به چرامشغول میشوند. اشتهای این حیوان فوق‌العاده زیاد است، صرفنظر از هیکل تنومند و ماهیچه‌های پر قدرتی که بایستی غذای کافی به آنها برساند، معمولاً بیش از آنچه که احتیاج برای سیر شدن دارد، غذا میخورد. بطوریکه اکثر اوقات، پس از خوردن غذا، سستی و بیحالی عمیقی باو دست میدهد و ساعاتی طولانی را به خواب و استراحت مشغول میشود و تا وقتیکه، دوباره گرسنگی باو غلبه نکند، حتی کوچکترین و حرکتی نیز بخود نمیدهد.





یک شیر بالغ روزانه، در شرایط عادی، بین ۵ تا ۸ کیلو بگوشت احتیاج دارد. ولی در مواقع وفور نعمت که شکار با اندازه کافی یافت میشود. خیلی بیشتر از این مقدار را بشکم خود سرازیر میکند.

شیر بطور طبیعی فقط از گوشت تازه تغذیه میکند، و در مواقع بحرانی، گوشت مانده و یا بقایای شکار سایر جانوران را نیز میخورد. حتی در شرایط خیلی سخت از خوردن خزندگان کوچک و حتی حشرات نیز دریغ نمینماید.

همانطور که گفتیم شیر قسمت بیشتر روز را به استراحت و خوردن مشغول است و جز در مواقع گرسنگی، حرکت چندانی ندارد. او محل استراحت خود را بیشتر در جای روشن ولی در سایه یک درخت انتخاب میکند که علاوه بر استفاده از نور خورشید، بواسطه سایه درخت از حرارت سوزان آن نیز در امان باشد، بعلاوه مقر او بایستی آنقدر نزدیک به چراگاه باشد که صدای طعمه بتواند چرت او را پاره کند.

هیچ جانداری نمیتواند مزاحم خواب و استراحت او بشود. خشم شیر برای موجودی که خواب آرام او را بهم بزند، خیلی گران تمام میشود، حتی بهمنوعان خود نیز اگر مزاحمتی فراهم کنند بشدت حمله میکنند.

بچهها نیز، در این موقع، زیاد جرات بازی و شوخی و خنده را ندارند، در غیر اینصورت یک غرش سهمگین به آنها می فهماند که موقعی که با استراحت میکند، بهتر است، نفسشان را در سینه حبس کنند. گاهی این خواب آنقدر عمیق است که اگر کسی از چند متری او بگذرد، هیچگونه عکس العملی از خود نشان نخواهد داد.

در آفریقا کرارا مشاهده شده، درختی را که شیر و خانواده او برای خواب و استراحت انتخاب کرده اند، در کنار جاده های قرار دارد که تنها راه عبور و مرور وسائط نقلیه و ساکنین دهکده های اطراف است، و مردم مجبور میشوند برای اینکه مبادا، بیدار شدن این حیوان باعث عصبانی شدن او شود، مدتی انتظار بکشند تا آقای شیر بعلت گرسنگی و گرفتاری شخصی منطقه را ترک نماید.

گاهی ماشین هم وقتی به چند متری آنها میرسد، هیچ حرکتی از خود نشان نمیدهد، چه بسا، راننده مجبور میشود، مدت زیادی بوق بزند، ولی آنهم دردی را دوا نمیکند و سلطان جنگل حاضر نیست چرت خود را پاره کند. بالاخره راننده با بحرکت در آوردن ماشین و برخورد ملایم سپر با بدن شیر، او را وادار میسازد که از جایش بلند شود. ولی این حرکت خیلی کوتاه خواهد بود، زیرا بمحض رد شدن ماشین، دوباره بهمان محل زیر همان درخت بر میگردد و خواب نیمه تمام خود را بپایان میرساند.

این طرز رفتار شیر به سایر حیوانات نیز می فهماند که موقعیکه آنها مشغول استراحت و خواب هستند، حالت حمله و تهاجمی بخود نمیگرد و بنا براین موردی ندارد که بخود ترسی راه بدهند. چه بسا گله گوزن و گورخر، تا فاصله کمی از آنها به آرامی به چرامشغول میشود، بدون اینکه احساس وحشت کند. فقط هنگامی گله متوحش میگردد که شیر حرکتی بخود بدهد و یا از جایش بلند شود، در اینصورت در یک چشم بهم زدن، هیچ حیوانی در منطقه باقی نخواهد ماند. با اینحال وجه مشترک تمام حیوانات، ترسی است که از مقابله با انسان دارند. شیر هم مثل سایر جانداران بخوبی آگاه است که یک انسان مسلح تاچه حد خطرناک است. این حیوان میداند که اینهمه قدرت و نیرو و عضلات پیچیده در مقابل بر خورد به یک شکارچی شیر، چقدر ناتوان و ضعیف است.

در واقع شکار شیر برای عدهای، رفته رفته بصورت یک ورزش و تفریح در آمده و هر کس میخواست احساس غرور و برتری کند، یکی از خاطرات شکار شیر خود را بیان میکرد. بطوریکه اگر بهمین نحو ادامه میافت، شاید امروزه نسل شیر بطور کلی از بین میرفت، از این رو سازمان حفاظت محیطزیست بین المللی، با همکاری دولت های که در سرزمینهای خود، دارای شیر هستند، شکار این حیوان را ممنوع اعلام کرده و حتی به ازیاد نسل آنها نیز کمک های شایانی نموده است.

همه ساله، هزاران توریست، برای تماشای زندگی شیرها به این مناطق مسافرت کرده و ضمن عکسبرداری و فیلمبرداری، خاطرات شیرینی همراه میآورند.





اصولاً باید پرسید که شکار کردن یک شیر با استفاده از یک تفنگ کالیبر زیاد مجهز به دوربین قوی و از فاصله دور، چه لذتی برای آقای شکارچی قهرمان میتواند داشته باشد؟ آیا کشتن حیوان بیچاره باین نحوه و با استفاده از امکانات مدرنی که در حال حاضر وجود دارد، اصولاً میتواند هنر قهرمانانهای محسوب گردد؟ پرتاب کردن مواد منفجره به سر حیوان و کشتن موجودی که هیچ استفاده‌ای جز کسب شهرت ندارد، سزوار است؟

شیر در حالیکه مرده آن هیچ ارزشی برای بشر ندارد، ولی زنده آن میتواند، با کمی رام شدن ثروت زیادی به جیب متصدیان سیرک بریزد .
وقتی این حیوان از بچگی با انسانها معشور شود، خیلی زود به آنها خومیگیرد، و از صاحبش بخوبی اطاعت کرده و دستورات او را انجام میدهد . بطور کلی تربیت شیر برای رام کننده، خواه از بچگی یا از جوانی انجام گیرد، نایستی کار زیاد مشکلی باشد . شیرها، بخصوص نوع ماده آنها، درمقابل محبت و ملامت انسان، به آسانی نرم میشوند و کارهای جالبی برایشان انجام میدهند، که گاهی در نوع خود بی نظیر است .



گذشته از حرکات خارق العاده او در سیرک که توجه همگان را بخود جلب میکند ، نقش این حیوان در فیلمهای سینمایی نیز بسیار شگفت انگیز است .

بعنوان مثال ، شما شیر بزرگ و تنومندی را می بینید که از پشت ، به قهرمان فیلم که اکثر اوقات تارزان است ، حمله میکند . ولی تارزان شجاع بایک حرکت سریع با او گلاویز شده وبالاخره با پیروزی بزرگی اورا از پادرمیآورد .



البته یک چنین کارهایی را فقط در سینما میتوان دید. مهم اینجاست که انسان پی به استعداد یک شیر رام شده می برد که تا چه حد از ابقای نقش خود، بعنوان یک حریف ضعیف تر بر می آید.

بعلاوه این موضوع بمان نشان میدهد که شیرها تا چه حد قابلیت تطبیق با محیط خود را دارند. اگر با شیر بخوبی رفتار شود، غذای او بموقع فراهم گردد و از استراحت و آسایش کافی برخوردار باشد حتی از گربه هم رامتر میشود. گوا اینکه خصوصیات ذاتی او هیچوقت تغییر نمیکند و در همان لحظه ای که خیلی ملایم و آرام در آغوش انسان نشسته است، قادر است با یک حرکت شدید، خطرات غیر قابل جبرانی ببار آورد.

مشکل اساسی کلیه جانداران، جستجوی غذا و تلاش مدام برای ادامه حیات است و بشر با استفاده از این خصوصیت بارز تا کنون، قادر به رام کردن هر نوع حیوانی بوده است. شیر هم از این قاعده مستثنی نیست و یافتن غذای بی درد و سر را، به پریدن و دویدن در مسافت طولانی ترجیح میدهد. از این رو، همانطور که گفته شد، با مهربانی و غذای بموقع، هیچگونه مشکلی بوجود نخواهد آمد.

بعضی خانواده های اروپائی که شیری را از بچگی نگهداری نموده اند و این حیوان مدتها، موجبات تفریح و نشاط آنها را فراهم کرده است، پس از بزرگ شدن، بعلت عدم آگاهی و ندانستن طرز رفتار با یک شیر بالغ، اجباراً او را در طبیعت رها میکنند، بدون اینکه بعواقب شوم اینکار بیاندیشند. چه، در اکثر موارد، شیر قادر به تطبیق خود با محیط وحشی نبوده و از گرسنگی خواهد مرد. بهتر است، در این قبیل موارد، او را بیک باغ وحش تحویل داد. زیرا با وجودیکه در زندان بودن، لطف چندانی، نمیتواند داشته باشد. لاقلاً محیط آرامی برای ادامه بقای او خواهد بود.



راز بقای سگها

راز بقای گربهها

راز بقای ببرها

راز بقای فیلها

راز بقای اسبها

راز بقای خرسها

راز بقای شیرها

راز بقای گرگها

راز بقای میمونها

راز بقای موشها

راز بقای سنجابها

راز بقای پلنگها

